

مقایسه تأثیر گذاری ارزش های سنتی و مدرن در گرایش به باروری در دونسل پیایی
۱۳۹۳ در شهر سنندج در سال (۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸، ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴)

سید محمد سید مرزایی^۱

حیدر ارشدی^۲

تاریخ وصول: ۹۳/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۱۲

چکیده

این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر باروری در دونسل پیایی در شهر سنندج با تأکید بر نقش ارزش های سنتی و مدرن در سال ۱۳۹۳ پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان دارای همسر در دو نسل ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ و ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ سال در سال ۱۳۹۳ می باشد که بر اساس آمار تعداد ۷۰۴۲۹ نفر می باشد، ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری تعیین شدند؛ برای جمع آوری داده ها از شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای استفاده شده است. پژوهش به روش توصیفی از نوع پیمایش انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و برای سنجش پایایی پرسشنامه ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آلفا در تمام متغیرها بالای ۰.۸۰ به دست آمد.

نتایج آزمون فرضیات بیانگر این است که تأثیر اعتقادات مذهبی، سوابق خانوادگی، تقدیرگرایی، تحصیلات، بر باروری در نسل ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ بیشتر از نسل ۱۳۷۸ تا ۱۳۶۴ بوده است هم چنین میزان باروری نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ و سوم با توجه به میزان آن ها متفاوت است و میزان باروری در نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ با توجه به بالا بودن میزان فردگرایی آن ها کمتر از نسل ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ بوده است و میزان باروری نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ و سوم با توجه به میزان میزان گرایش آن ها به ارزش های مدرن باروری متفاوت است و میزان باروری در نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ با توجه به بالا بودن میزان گرایش آن ها به ارزش های مدرن کمتر از نسل ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ بوده است. هر چه گرایش پاسخگویان به ارزش های سنتی مثبت تر باشد به همان اندازه باروری بیشتر می شود و گرایش پاسخگویان به ارزش های مدرن مثبت تر باشد به همان اندازه باروری کمتر می شود.

واژگان کلیدی: سنت، جدید، باروری، فردگرایی، ارزش، نسل، سوابق خانوادگی.

مقدمه و بیان مسأله

رشد شاخص های اقتصادی، جمعیتی توسعه اجتماعی و انسانی همانند رشد شهر نشینی، افزایش تحصیلات، افزایش امید زندگی، بهبود در امکانات بهداشتی و خدمات پزشکی و همچنین کاهش رشد جمعیت از جمله شاخص هایی هستند که در فرایند مدرنیته در ایران در طول چند دهه گذشته بیان شده که مبین بهتر شدن اوضاع در ابعاد از زندگی تا به حال شده است، اما مسأله نگران کننده پیامدهای دگرگونی در ارزش هایی است که در جریان فرآیند مدرنیته به وجود آمده است. تغییرات ارزشی در حوزه خانواده بر جامعه تأثیر می گذارد و البته تغییر در عرصه های گوناگون جامعه در مناسبات خانوادگی مؤثر خواهد بود که یکی از این عرصه ها تحولات در کنش فرزندآوری در جامعه ایرانی می باشد که این کاهش تمایل به فرزندآوری یکی از مسائل اجتماعی مهم ایران است. نسل جدید فرزند را محل آسایش و پرهزینه می داند از آنجا که کشور ایران طی صد سال اخیر در حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بخصوص از انقلاب مشروط به بعد تحولاتی را تجربه کرده است

ایران در اواخر قرن بیستم انتقال باروری خود را تجربه کرده و باروری کل را از $6/3$ فرزند برای هر خانوار در سال 1365 به $2/2$ یعنی سطح جایگزین در سال 1380 رساند. این سطح در برخی از استان هادر هر دو مناطق شهری روستایی از جمله استان کردستان و شهر سنندج به عنوان بستر مورد مطالعه این پژوهش مشاهده شده است در واقع میزان های باروری در همه گروه های سنی با نوعی کاهش محسوس همراه بوده است زوجین فرزندآوری را دیرتر آغاز می کنند زنان متأهل بین موالیدشان فاصله میگذارند و زنان مسن تر فرزند آوری خود را متوقف کرده اند مطالعات مختلف نشان داده اند که ایده آل های فرزندآوری نزد خانواده های ایرانی تغییر کرده است و شاخص های باروری مؤید این امر در فرهنگ های مختلف ایران هستند که می توان ان راناشی از تغیر ارزش های سنتی به مدرن در نتیجه شکل گیری نوگرایی در ایران دانست که استان کردستان و شهرستان سنندج به تبعیت از تغییرات جمعیتی کل ایران تغییرات قابل ملاحظه ای را تجربه کرده است مطالعات میدانی مختلف نیز نشان از مطلوبیت تعداد اندک فرزندان در میان کردها دارد استان کردستان در سال 1375 و 1380 به ترتیب باروری کل 3 و $1/9$ داشته است و باروری کل برآورد شده بر اساس داده های سرشماری سال 1385 نیز همین را نشان می دهد.

اگر به دیدگاه خانواده‌ها نسبت به باروری نگرسته شود نمی‌توان بدون توجه به شرایط اجتماعی و زیستی به این پدیده نگرسته شود لذا با توجه به این که دونسل در طول زمان نسبت به یک پدیده نگرش یکسانی نخواهند داشت لذا این ضرورت را ایجاد می‌کند که دیدگاه‌های نسلی خانواده‌های شهر سندج را نسبت به باروری و شرایط و ویژگی‌های آن مورد بررسی قرار دهیم، نظام جهانی و تأثیرات آن بر ساختار اجتماعی جوامع و قدرت رسانه‌های جمعی تغییراتی را در نگرش افراد نسبت به مسائل مختلف ایجاد کرده است؛ یکی از این تغییرات، میزان تغییرات ارزشی و تأثیر عوامل ارزشی بر باروری است و دیدگاه‌های افراد در طول زمان متفاوت با نسل‌های پیشین خود می‌باشند لذا، بررسی این پدیده و مقایسه ی دیدگاه‌های نسلی و ارزشی در مورد باروری این ضرورت را پیدا می‌کند که این دیدگاه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. نگرش افراد نسبت به مسائل مختلف ایجاد کرده است؛ که این تغییرات باروری دیدگاه‌های افراد در طول زمان متفاوت با نسل‌های پیشین است لذا، بررسی این پدیده و مقایسه ی دیدگاه‌های نسلی در مورد باروری این ضرورت را پیدا می‌کند. پس از یک دهه تجربه باروری پایین، ایران مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته آسیایی و اروپایی، در حال ورود به یک رژیم جدید جمعیتی با مشخصه های بارز کاهش جمعیت و تسریع در پیری جمعیت می‌شود. از این رو سیاست گذاران و اندیشمندان حوزه ی جمعیتی باید با تدوین برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و هم‌چنین با اتخاذ برنامه‌های حمایتی از مولید خانواده ها زمینه این کاهش باروری را محدود نمایند. سیاست گذاران و اتخاذ هر گونه برنامه‌ی عمل برای افزایش سطح باروری، مستلزم بررسی همه جانبه و عمیق کنش‌های باروری زنان و تعیین کننده های آن است. بر این اساس ، انجام مطالعات زمینه‌ای به منظور درک تمایلات فرزند آوری افراد و خانواده ها و عوامل تعیین کننده های آن نقش مهمی در زمینه ی سیاست گذاری جمعیتی ، دست کم در مقیاس محلی و منطقه ای خواهد داشت. از این رو اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاست گذاران نیازمند شناخت و آگاهی بیشتر از میزان ها و شناخت از تغییر نگرش ها و ارزش ها ی جوامع نسبت به کاهش باروری ، هسته ای شدن خانواده ها ، تغییر در نگرش نسبت به تشکیل خانواده ، استقلال زنان می باشند که راهکار ها و برنامه هایی را در جهت بهبود در وضعیت موجود فراهم آورند. تحولات جمعیتی اتفاق افتاده چنددهه ی اخیر در ایران یکی از ابعاد مهم تحولات اجتماعی مدرن در این جامعه است حال در مرحله ی کنونی که جمعیت ایران در حال تجربه ی باروری سطح جایگزین و پایین تر از ان است لازم است که به دقت وضعیت کنونی مورد مطالعه قرار گیرد چرا که باروری پایین کنونی خود زمینه ساز تحولات آینده ی جمعیت ایران است و بر سازنده ی شکلی نو از ساختار جمعیتی برای

ایران است. در این راستا هدف کلی پژوهش حاضر، مقایسه تأثیر گذاری ارزش‌های سنتی و مدرن در گرایش به باروری در دو نسل پیاپی در شهر سنج در سال ۱۳۹۳ می باشد و اهداف فرعی را تعیین نوع نگرش زنان دو نسل نسبت به باروری و تعیین میزان تأثیر تعلق مذهبی، فردگرایی، تقدیرگرایی، ارزش های سنتی، تعلق مذهبی، ترجیح جنسیتی، سوابق خانوادگی (تجربه خانواده پر جمعیت یا جمعیت) و محل سکونت بر باروری زنان دو نسل پیاپی تشکیل داده اند.

مبانی نظری

نظریه‌ی گذار جمعیت شناختی، گذار جمعیت شناختی را فرایند نوسازی رفتار تولید مثل در جمعیت‌های انسانی می داند که طی دو مرحله کاهش مرگ و میر سپس کنترل باروری صورت می گیرد. بر اساس این نظریه جوامع نوسازی را از یک رژیم پیشامدرن مرگ و میر و باروری بالا به یک رژیم پسا مدرنی که در آن هر دو پایین هستند تجربه می کنند. کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی است. کاهش باروری هنگامی رخ می دهد که، فرایندی از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهر نشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه ی اقتصادی اجتماعی آغاز می شود.

مدل جامعه شناختی تبیین باروری از منظر جامعه شناسان در نگاه کلان نگرانه عوامل مؤثر بر باروری در حقیقت فرهنگ جامعه، عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی است که حرکت باروری در جامعه را دیکته می کند در سطح فردی بر این باورند که انگیزه های شخصی، سلیقه ها، نگرش های افراد، طرز تلقی آنها روی باروری اثر می گذارند، جامعه شناسان بر این باورند که هر اندازه کشورها در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر حرکت کنند بیشتر انگیزه ها و سلیقه های فردی است که رفتارهای باروری را تحت تأثیر قرار می دهد. عوامل انگیزشی محور اصلی دیدگاه هایی است که از طریق مدل های جامعه شناختی سعی در تبیین پدیده باروری دارند، زیرا باروری واقعی صرفاً فیزیکی نیست، بلکه پدیده ای مبتنی بر ذهنیات و تفکرات فردی است که در کشورهای در حال توسعه عوامل انگیزشی به دو صورت در باروری تأثیر دارد به خاطر مرگ بالای اطفال، به خاطر حیات خانواده فرزند بیشتری به دنیا می آورند که افزایش خدمات بهداشتی و کاهش مرگ و میر کودکان نه تنها تغییر نمی کند با شدت قبلی ادامه دارد. دوم انگیزه هایی دربارہ ی بی برتری جنسی فرزندان پسر و منافع اقتصادی فرزندان باز هم باروری در سطح بالایی قرار دارد (حسینی: ۱۳۸۱، ۵۵)

بر اساس تئوری نو گرایی، نوسازی و مدرن شدن سبک زندگی و تفکر افراد باعث رشد تفکرات آینده نگر و داشتن زندگی مرفه تر می باشد که باعث می گردد توجه انسان به خانواده ضعیف گردد. پدیده نوگرایی عبارت است از مجموعه ای از نظام ارزش ها و رفتارها که در جوامع کنونی، گسترش فراوانی یافته است. بر اساس این تئوری، آن دسته از افراد که تحصیلات و سواد بیشتری دارند، شهر نشین تر بوده اند و از وسایل ارتباط بیشتر برخوردار هستند دارای خصوصیات یک فرد مدرن هستند؛ طرز تلقی ها، ارزش ها و رفتارها یی که فرد در مدرسه می آموزد با تجارب زندگی بعدی او در تعامل بوده است و گرایش به باروری کمتر را ایجاد می کند. بررسی جامعه شناختی نشا نگر آن است که نوسازی فیزیکی و آبادانی و بازسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه های گوناگون اندازه باروری را تغییر داده چرا که نوسازی محیط اجتماعی، فرهنگ و اقتصاد ی روش اندیشه مردمان را دگرگون می کند و خانواده گرایی را کم ارزش و آینده نگری فردی و گرایش به زندگی مادی را که در آن آسایش و شادکامی از برتری بیشتری برخوردار است نیرومند و پرتوان می سازد.

در این رویکرد استدلال می شود که عوامل فرهنگ و نه ساختاری نحوه ی نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می دهد. طرفداران این دیدگاه استدلال می کنند که کاهش باروری ناشی از اشاعه ی ایده های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری می باشد نه تغییرات در عوامل اقتصادی اجتماعی اشاعه ی یا نهاد های اجتماعی. تئوری اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل مولید در جهان می پردازد در کشور هایی که باروری کاهش یافته اعمالی که به محدودیت باروری منجر می شود، ابتدا توسط گروه هایی از جمعیت که موفق تر، ثروتمند تر و تحصیل کرده ترند، اقتباس می شود و به گروه های میانی با منزلت پایین تر و مناطق روستایی گسترش می یابد (حسینی، ۱۳۴: ۱۳۳، ۱۳۸۱).

بر اساس تئوری اقتصادی باروری، فرزندان کالا تلقی می شوند که دارای هزینه های خاص برای تولید و نگهداری و همچنین دارای سود و فایده خاص می باشند. فواید اقتصادی فرزندان شامل مشارکت در تولید خانواده پس از رشد کافی و مراقبت از والدین در پیری. هزینه های اقتصادی شامل مخارج، مراقبت های پزشکی مادر در دوره حاملگی و رفع نیاز های تعذیه فرزندان، مسکن، مراقبت های پزشکی و آموزشی است. که می توان تئوری ها روی لیبنشتاین را نام برد، این تئوری مبتنی بر این فرض است که منفعت یا عدم منفعت نکردن اقتصادی فرزندان عاملی بر تصمیم گیری در مورد شمار فرزندان تاثیر می گذارد. تئوری اقتصاد خرد باوری بر این فرض است که به دلایل زیادی فرزندان همچون سایر کالاهای مصرفی و سرمایه گذاری می باشند از این رو بچه دار شدن تحت تاثیر عواملی چون شمار فرزندان که می توانند زنده بمانند، هزینه های رشد و تربیت، هزینه فرصت از دست رفته و سطح درآمد خانوار است (حسینی، ۱۳۸۱: ۵۴). نظریه ی برابری

جنسیتی برآن است که بین نوع برابری جنسی در یک جامعه و سطح باروری رابطه ای معنادار و قابل قبول توجه دارد، زنان در آموزش و پرورش و بازار کار مانند مردان به فرصت هایی دسترسی پیدا می کنند ولی به دلیل داشتن فرزندان با محدودیت مواجه می شوند تعداد فرزندان را تا سطح بسیا پایین و نگران کننده ای کاهش می دهند. برابری جنسیتی زمانی تحقق می یابد که جنسیت در زمینه ی تولد، درآمد، مراقبت و تربیت فرزندان و خانه داری یک عامل تعیین کننده نباشد موقعی که برابری جنسی در نهادهای فرد محور به سطوح بالای خود برسد و در نهادهای خانواده محور پایین باشد باروری به سرعت کاهش می یابد انتقال باروری از سطوح بالا به سطوح پایین با برابری جنستی در نهاد های خانواده محور و به ویژه خود خانواده در ارتباط است. حرکت از مدل مرد نان اور به مدل برابری جنسیتی تأکید بر هزینه های اقتصادی نیز از مستقیم به غیر مستقیم حرکت داده می شود موقعی که تمام نهادهای اجتماعی، اقتصادی متناسب با مدل مرد نان آور تنظیم شود اولاً تعداد معدودی از زنان در نیروی کار حضور می یابند و هزینه های فرصت زنان به نبود کار رابطه ی کمی خواهد داشت. براساس نظریه ی تبیین نهادی، باروری به پیوند میان سطوح خرد و کلان رفتار باروری می پردازد. این دیدگاه تلاش دارد تا ساختارهای اساسی و زیر بنایی جامعه را با مکانیزم های جمعیتی مرتبط نماید و تأثیر متقابل ها و اجزا متداخل سازنده ی نهادها، در یک محیط سیاسی و اقتصادی در حال تغییر را با ادراکات و انتخاب های فردی در خصوص رفتارهای جمعیتی به هم پیوند دهد. در واقع این دیدگاه با وزن دادن به تعامل متغیر های نهادی و ایدئولوژیک هر جامعه با روابط درونی میان فرایند های توسعه و روندهای جمعیتی، شکل و الگوی جمعیتی را سطحی فراتر از ارتباط ساده و مستقیم میان جمعیت و توسعه مورد ملاحظه قرار می دهد.

در بین پژوهش های تجربی نتایج پژوهش وندکا (۱۹۹۸) نشان داده است که هر چه نمره ارزش های پست ماتریالیستی بیشتر باشد به همان اندازه سهم بیشتری از باروری در سنین بالای ۳۰ سال خواهد بود از نظر وی ظهور ارزش های پست ماتریالیستی مدرنیستی می تواند با بروز رفتار های منطبق با آنچه انتقال دوم جمعیت شناختی (از جمله باروری پایین و یا به تأخیر اندازی فرزند اوری و) نامیده شده اند، همراه باشد. (رضایی : ۱۳۹۰، ۱۷، ۱۶). دالازونا و میحلی (۲۰۰۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده اند که باروری در کشور های خانواده ی قوی به طور میانگین از باروری در کشور های خانواده ضعیف پایین تر است. یافته های پژوهش رضایی (۱۳۹۰) نشان داده است که کم فرزندی برآیند نوعی قاعده مندسازی کنشی و نیز نوعی تمایل به ارتقا و بهبود هر چه بیشتر سوژه های انسانی در اینجا فرزندان و نیز والدین است. نتایج پژوهش عباسی شوازی (۱۳۸۷) نشان داده است که تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده ملازم با تغییر در نگرش ها و

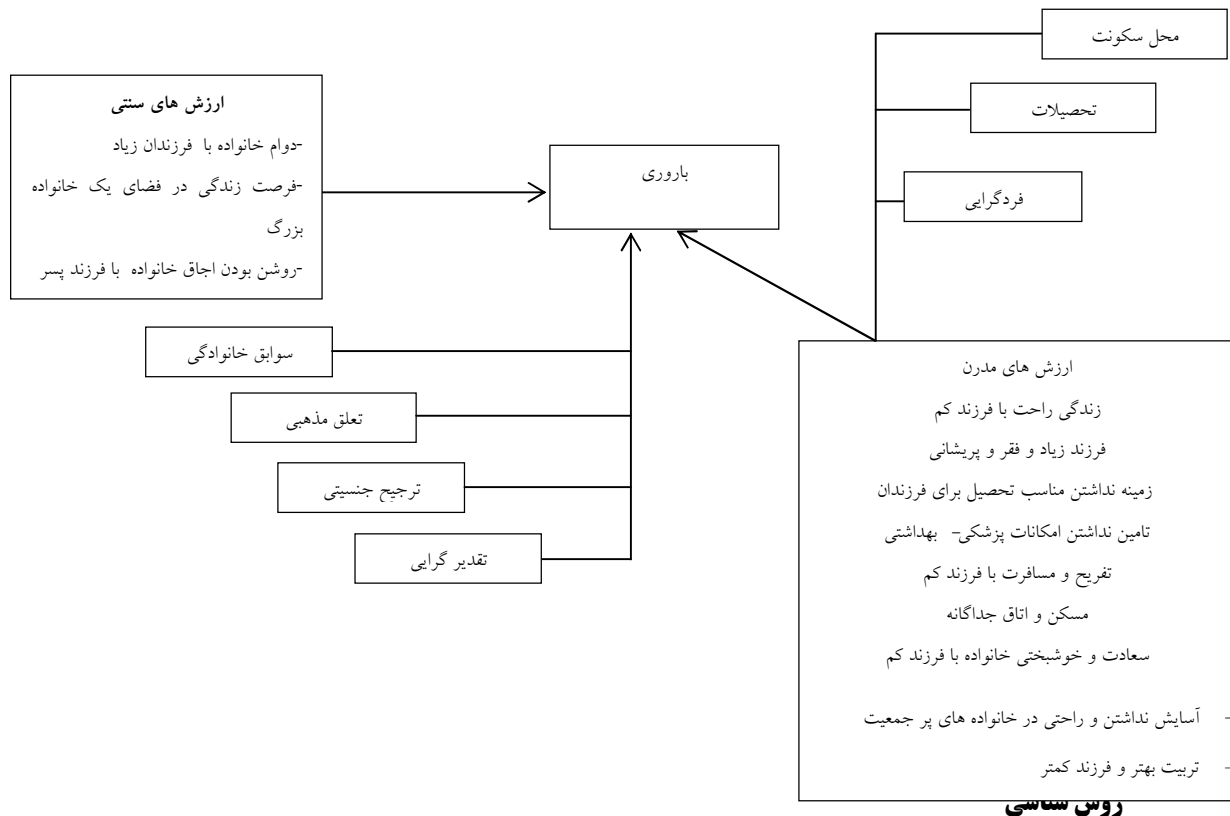
ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و در نهایت رفتار و ایده آل های باروری است. نتایج پژوهش عسکری ندوشن (۱۳۸۴) نشان می دهد که طی چند دهه ی اخیر تغییرات سریعی در رفتارها و نگرش های باروری رخ داده است. بافت سنتی خانواده نیز آمیزه ای از تداوم و تغییر را تجربه کرده است. سرعت شدید کاهش باروری را نمی توان به تغییر اشکال سنتی خانواده ارتباط داد زیرا کاهش سریع باروری ملازم با تحولات سریع در عناصر سنتی حیات خانواده نبود و بر خلاف پیش بینی های قبلی برخی از صاحب نظران نوعی همگرایی خطی به سمت مدل خانواده ی هسته ای غربی صورت نگرفته است. نتایج تحقیق آزاد ارمکی (۱۳۸۵) حاکی از این است که در ایران سالخوردگان، کم سوادان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به آموزش های سنتی خانواده پایبندند؛ در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران، ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده است؛ در سطح کلان بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد، یعنی در فرآیند مدرنیته، تجانس فرهنگی جای خود را به تشتت آراء در حوزه عناصر سنتی فرهنگ می دهد.

از مجموع مطالعات نظری در ارتباط با باورهای سنتی بر باروری بیشتر به متغیرهایی چون سوابق خانوادگی، اعتقادات مذهبی، ساختار خانواده (احساس تعلق به هم)، باورهای فرهنگی اشاره شده است و در ارتباط با تأکید بر ارزش های مدرن بر باروری بیشتر به متغیرهایی چون میزان تحصیلات، شهرنشینی، فردگرایی، ازدواج در سنین بالا اشاره کرده اند. بر اساس تئوری های مطرح شده فرضیه های زیر مطرح شده است.

فرضیه های تحقیق

- به نظر می آید تأثیر اعتقادات مذهبی بر باروری در نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ کمتر از نسل ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۳ بوده است.
- به نظر می آید تأثیر سوابق خانوادگی بر باروری در نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ کمتر از نسل ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۳ بوده است.
- به نظر می آید تأثیر تقدیرگرایی بر باروری در نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ کمتر از نسل ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۳ بوده است.
- میزان باروری نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ و ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۳ با توجه به تحصیلات متفاوت است.

- میزان باروری در دو نسل ۱۳۶۴ + ۱۳۷۸ و ۱۳۴۴ + ۱۳۶۳ بر حسب نوع محل سکونت زنان متفاوت است.
- تأثیر فردگرایی بر باروری در نسل ۱۳۴۴ + ۱۳۶۳ کمتر از نسل ۱۳۶۴ + ۱۳۷۸ بوده است.
- میزان گرایش به ارزش های مدرن باروری در نسل ۱۳۴۴ + ۱۳۶۳ کمتر از نسل ۱۳۶۴ + ۱۳۷۸ و در نتیجه میزان باروری نسل ۴۹ + ۳۰ بیشتر از نسل ۴۹ + ۱۵ بوده است.
- بین میزان گرایش به ارزش های سنتی و باروری رابطه مستقیمی وجود دارد.
- بین میزان گرایش به ارزش های مدرن و باروری رابطه معکوسی وجود دارد.
- میزان باروری در دو نسل ۱۳۶۴ + ۱۳۷۸ و ۱۳۴۴ + ۱۳۶۳ بر حسب متغیر ترجیح جنسیتی (تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر) آن ها متفاوت است.



در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است، جامعه آماری تحقیق، کلیه زنان همسر دار ۱۵ تا ۴۹ سال و ساکن در شهر سنج در سال ۱۳۹۳ (۷۰۴۳۹) می باشد برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر بدست آمد. روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بود و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد که بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخگویان پخش شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها و بازبینی آنها به هر یک از پرسشنامه ها و سؤال های آن یک کد داده شد و سپس داده ها وارد نرم افزار SPSS شده و ماتریس متغیرها تشکیل گردید جهت تحلیل داده ها متناسب با سطح سنجش آنها در سطح تحلیل توصیفی، از آماره های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، میانه و همچنین علاوه بر آماره ها از جدول و در سطح تحلیل تبیینی، از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی، تکنیک های آماری چند متغیره و نمودار استفاده شد.

نتایج توصیفی تحقیق

در این پژوهش، ۲۵ درصد افراد این نمونه آماری نسل ۲۹ تا ۳۵ سال به پاسخ دهندگان شاغل و ۷۵ درصد به پاسخ دهندگان خانه دار اختصاص داشته است. از ۱۹۲ نفر نمونه آماری نسل ۳۰ تا ۳۹ سال لحاظ شده در این پژوهش، ۳۴.۹ درصد افراد این نمونه آماری به پاسخ دهندگان شاغل و ۶۵.۱ درصد به پاسخ دهندگان خانه دار اختصاص داشته است. حدود ۷.۳ درصد از پاسخ دهندگان نسل ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۳ سال اعلام کرده اند که بی سواد هستند، ۴۱.۱ درصد از پاسخ دهندگان میزان تحصیلات خود را زیر دیپلم، ۸.۹ درصد دیپلم، ۲۹.۷ درصد فوق دیپلم، ۱۰.۴ درصد لیسانس و ۲.۶ درصد از پاسخ دهندگان میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر اظهار کرده اند و تنها ۱ درصد از پاسخ دهندگان نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ سال اعلام کرده اند که بی سواد هستند، ۲۴ درصد از پاسخ دهندگان میزان تحصیلات خود را زیر دیپلم، ۴۷.۹ درصد دیپلم، ۶.۸ درصد فوق دیپلم، ۱۶.۱ درصد لیسانس و ۴.۲ درصد از پاسخ دهندگان میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر اظهار کرده اند. نتایج حاصل در رابطه با وضعیت محل پاسخ دهندگان نسل ۲۹ تا ۳۵ سال بیانگر این مطلب است که محل تولد اکثریت (۶۹.۳ درصد) پاسخ دهندگان نسل ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۳ روستا بوده در حالی که محل تولد اکثریت (۷۹.۷ درصد) پاسخ دهندگان نسل ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۸ سال شهر بوده است.

نتایج توصیفی متغیرهای تحقیق

جدول شماره (۱) آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	نسل	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
سن ازدواج	نسل 30-49	۱۷.۷۶	۲.۶	۱۶	۱۴	۳۰	۱۹۲
	نسل 15-29	۲۱.۰۲	۲.۷	۱۳	۱۴	۲۷	۱۹۲
فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند	نسل 30-49	۱.۵۹	۰.۹۱	۷	۱	۸	۱۹۲
	نسل 15-29	۲.۳	۱.۲	۵	۱	۶	۱۹۲
تعداد فرزند پاسخ‌دهندگان	نسل 30-49	۳.۰۳	۰.۸۷	۵	۱	۶	۱۹۲
	نسل 15-29	۱.۷۴	۰.۵۱	۲	۱	۳	۱۹۲
تعداد فرزندان ایده آل پاسخ‌دهندگان	نسل 30-49	۳.۰۷	۰.۸۶	۵	۱	۶	۱۹۲
	نسل 15-29	۲.۱	۰.۵۳	۲	۱	۳	۱۹۲
نگرش پاسخ‌دهندگان به باروری	نسل 30-49	۶۷.۳	۸.۱۷	۴۴	۴۰	۸۴	۱۹۲
	نسل 15-29	۴۹.۷	۳.۰۶	۱۷	۴۲	۵۹	۱۹۲
تعلق و پیوستگی مذهبی پاسخ‌دهندگان	نسل 30-49	۴۶.۹۴	۴.۹	۲۶	۳۱	۵۷	۱۹۲
	نسل 15-29	۳۸.۷۱	۲.۷۸	۱۵	۳۰	۴۵	۱۹۲
میزان فردگرایی	نسل 30-49	۱۹.۹۶	۳.۸	۲۲	۱۰	۳۲	۱۹۲
	نسل 15-29	۳۳.۲۲	۵.۵۹	۲۷	۱۳	۴۰	۱۹۲
تقدیرگرایی	نسل 30-49	۱۹.۱۸	۲.۸۸	۱۳	۱۲	۲۸	۱۹۲
	نسل 15-29	۱۳.۷	۲.۵	۱۳	۸	۲۱	۱۹۲
گرایش به ارزش‌های مدرن باروری	نسل 30-49	۲۵.۹۸	۳.۲۵	۲۰	۱۶	۳۶	۱۹۲
	نسل 15-29	۳۲.۸	۲.۵۳	۱۴	۲۵	۳۹	۱۹۲
گرایش به ارزش‌های سنتی باروری	نسل 30-49	۲۹.۰۰۵	۳.۶۲	۲۰	۱۵	۳۵	۱۹۲
	نسل 15-29	۱۷.۵۴	۲.۲۹	۱۵	۱۱	۲۶	۱۹۲

همان‌طور که از نتایج جدول فوق مشخص است پاسخ‌دهندگان نسل 30-49 نگرش مثبت‌تری به باروری در مقایسه با پاسخ‌دهندگان نسل 15-29 داشته‌اند. پاسخ‌دهندگان نسل 30-49 تعلق و

پیوستگی مذهبی بالاتری در مقایسه با پاسخ دهندگان نسل 29 15 داشته اند. پاسخ دهندگان نسل 29 15 فردگرایی بالاتری در مقایسه با پاسخ دهندگان نسل 49 30 داشته اند. پاسخ دهندگان نسل 49 30 تقدیرگرایی بالاتری در مقایسه با پاسخ دهندگان نسل 29 15 داشته اند.

هم چنین بر اساس نتایج جدول فوق میزان گرایش پاسخ دهندگان نسل ۳۰ ۴۹ به ارزش های مدرن باروری ، پایین تر از سطح متوسط می باشد در حالی که میزان گرایش پاسخ دهندگان نسل ۲۹ ۳۰ به ارزش های مدرن باروری بالاتر از سطح متوسط می باشد، که بیانگر این است که پاسخ دهندگان نسل ۴۹ ۳۰ گرایش بیشتری به میزان باروری در مقایسه با پاسخ دهندگان نسل ۲۹ ۳۰ داشته اند. و میزان گرایش پاسخ دهندگان نسل 49 30 به ارزش های سنتی باروری ، بالاتر از سطح متوسط می باشد در حالی که میزان گرایش پاسخ دهندگان نسل 29 15 به ارزش های سنتی باروری پایین تر از سطح متوسط نمره ها می باشد، که بیانگر این است که پاسخ دهندگان نسل ۲۹ ۳۰ گرایش بیشتری به ارزش های سنتی باروری در مقایسه با پاسخ دهندگان نسل 49 30 داشته اند.

آزمون فرضیه ها

در این قسمت نتایج تحلیل استنباطی فرضیات تحقیق، به تفکیک گزارش می شود.

نتایج استنباطی دو متغیره

فرضیه شماره یک: تأثیر اعتقادات مذهبی بر باروری در نسل 49 30 بیشتر از نسل 29 15 بوده است.

بر اساس نتایج جدول می توان نتیجه گرفت که میزان باروری زنان نسل ۴۹ ۳۰ با بالا رفتن میزان اعتقادات مذهبی بیشتر می شود در حالی که در نسل ۴۹ ۱۵ این گونه نیست و با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) می توان نتیجه گرفت که اعتقادات مذهبی بر باروری در نسل ۴۹ ۱۵ و نسل ۴۹ ۳۰ تفاوت معناداری ایجاد می کند . مقدار F حاصل از آزمون تحلیل واریانس ۷۱.۶۰۶ و معنادار می باشد . (Sig = /۰۰۰)

جدول ۲ آزمون میانگین میزان تأثیر اعتقادات مذهبی بر باروری در دو نسل ۴۹ ۳۰ و ۱۵ ۴۹

سطح معنی داری	آماره F	فراوانی	میانگین	نسل	
				نسل	اعتقادات مذهبی
۰.۰۰۰	۷۱.۶۰۶	۱۰	۲.۸	نسل 30 49	ضعیف
		۱۰۲	۱.۴۴	نسل 15 29	
		۱۱۱	۳.۲	نسل 30 49	متوسط
		۷۷	۱.۶	نسل 15 29	
		۵۸	۳.۴۳	نسل 30 49	شدید
		-	-	نسل 15 29	
۱۷۹	۳.۲۷	نسل 30 49	جمع		
۱۷۹	۱.۵۱	نسل 15 29			

فرضیه شماره دو: تأثیر سوابق خانوادگی بر باروری در نسل 30 49 بیشتر از نسل 29 بوده است.

میزان باروری در دو نسل بر حسب سوابق خانوادگی متفاوت است. هم چنین بر اساس نتایج جدول می توان نتیجه گرفت که میزان باروری زنان نسل ۴۹ ۳۰ با تجربه خانواده پر جمعیت بیشتر می شود و در نسل ۴۹ ۱۵ هم این گونه نبوده است و با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) می توان نتیجه گرفت که سوابق خانوادگی بر باروری در نسل ۴۹ ۱۵ و نسل ۴۹ ۳۰ تفاوت معناداری ایجاد می کند (Sig = ۰/۰۰۰, F = ۱۲۸.۵۱۴)؛

جدول (۳) آزمون میانگین میزان تأثیر سوابق خانوادگی بر باروری در دو نسل ۴۹ ۳۰ و ۴۹ ۱۵

سطح معنی داری	آماره F	فراوانی	میانگین	نسل	
				نسل	سوابق خانوادگی
۰.۰۰۰	۱۲۸.۵۱۴	۴۷	۳.۲۳	نسل 30 49	تجربه خانواده کم
		۱۷۸	۱.۴۹	نسل 15 29	جمعیت
		۱۴۵	۳.۴۰	نسل 30 49	تجربه خانواده پر
		۱۴	۱.۶۹	نسل 15 29	جمعیت

فرضیه شماره سه: تأثیر تقدیرگرایی بر باروری در نسل 49 30 بیشتر از نسل 29 15 بوده است.

میزان باروری در دو نسل بر حسب تقدیرگرایی متفاوت است. هم چنین بر اساس نتایج جدول می توان نتیجه گرفت که میزان باروری زنان نسل 49 30 با بالا رفتن میزان تقدیرگرایی بیشتر می شود در حالی که در نسل 49 15 این گونه نیست و با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) می توان نتیجه گرفت که تقدیرگرایی بر باروری در نسل 49 15 و نسل 49 30 تفاوت معناداری ایجاد می کند ($F = 71.606$, Sig = $0/000$).

جدول (4) آزمون میانگین میزان تأثیر تقدیرگرایی بر باروری در دو نسل 49 15 و 49 30

سطح معنی داری	آماره F	فراوانی	میانگین	نسل	
				نسل 30 49	نسل 15 29
0.000	58.131	6	2.33	نسل 30 49	ضعیف
		88	1.51	نسل 15 29	
		97	3.28	نسل 30 49	متوسط
		95	1.5	نسل 15 29	
		84	3.29	نسل 30 49	شدید
		2	1.5	نسل 15 29	

فرضیه شماره چهار: میزان باروری نسل 49 15 و 49 30 با توجه به تحصیلات متفاوت است.

نتایج به دست آمده از آزمون بیانگر این است که میانگین باروری در زنان نسل 49 30 با میزان تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر 3.17 است در حالی که میانگین باروری در زنان نسل 29 15 با میزان فوق لیسانس و بالاتر، 1.32 است که بیانگر این است که میزان باروری در دو نسل بر حسب تحصیلات متفاوت است. هم چنین بر اساس نتایج جدول می توان نتیجه گرفت که در هر دو نسل میزان باروری زنان با بالا رفتن تحصیلات کمتر می شود. با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) می توان نتیجه گرفت که تحصیلات بر باروری در نسل 49 15 و نسل 49 30 تفاوت معناداری ایجاد می کند (آمده $F = 3.7846$, Sig = $0/02$).

جدول (۵) آزمون میانگین میزان تاثیر تحصيلات بر باروری در دو نسل ۴۹ و ۱۵ و ۴۰ و ۴۹

سطح معنی داری	آماره F	فراوانی	میانگین	نسل	
				نسل ۳۰	نسل ۴۹
		۱۴	۳.۱۴	نسل ۳۰	نسل ۴۹
				۲	۲.۹۳
		۷۹	۳.۳۸	نسل ۳۰	نسل ۴۹
				۴۶	۱.۵۲
		۹۲	۳.۲۵	نسل ۳۰	نسل ۴۹
				۵۷	۱.۵۲
		۱۶	۳.۴۵	نسل ۳۰	نسل ۴۹
				۱۳	۱.۴۶
		۳۰	۳.۱۶	نسل ۳۰	نسل ۴۹
				۲۱	۱.۳۸
		۸	۲.۷۵	نسل ۳۰	نسل ۴۹
				۶	۱.۱۵

فرضیه شماره پنج: میزان باروری در دو نسل ۴۹ و ۱۵ و ۴۰ بر حسب نوع محل سکونت زنان متفاوت است.

میزان باروری در دو نسل بر حسب نوع محل سکونت تفاوت چندانی ندارد. هم چنین بر اساس نتایج جدول می توان نتیجه گرفت که در هر دو نسل میزان باروری زنان ساکن شهر کمتر از زنان ساکن روستا بوده است. با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) می توان نتیجه گرفت که نوع محل سکونت بر باروری در نسل ۴۹ و ۱۵ و نسل ۴۰ تفاوت معناداری ایجاد نمی کند ($F=1.501, P=0.221$) (Sig

جدول (۶) آزمون میانگین میزان تأثیر محل سکونت بر باروری در دو نسل ۴۹ و ۳۰ و ۱۵

سطح معنی داری	آماره F	فراوانی	میانگین	نسل	
				نسل 30 49	نسل 15 29
		۱۶۶	۳.۲۴	نسل 30 49	شهر
۰.۲۲۱	۱.۵۰۱	۱۵۲	۱.۴۵	نسل 15 29	
		۲۶	۳.۴۲	نسل 30 49	روستا
		۴۰	۱.۵۲	نسل 15 29	

فرضیه شماره شش: تأثیر فردگرایی بر باروری در نسل 29 15 بیشتر از نسل 49 30 بوده است.

داده‌های به دست آمده و سطح معنی داری به دست آمده (Sig = ۰.۰۰۰) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha=۰/۰۵$) می باشد، پس بین میزان فردگرایی پاسخ دهندگان نسل ۴۹ ۳۰ و ۱۵ تفاوت معناداری وجود دارد ($t= ۳۲.۵۸۰$, $sig=۰.۰۰۰$). به عبارت دقیق تر میزان فردگرایی در نسل 29 15 بیشتر از نسل 49 30 بوده است. همان طور که در جدول (۷) مشاهده می شود، میانگین میزان فردگرایی در نسل 29 15 (۳۳.۲۲) و میزان فردگرایی در نسل 49 30 (۱۶.۹۶) می باشد؛ که بیان گر همین تفاوت است. بر اساس نتایج قبلی میانگین میزان باروری در نسل 29 15 (۱.۵۱) و میزان باروری در نسل 49 30 (۳.۲۷) می باشد؛ پس نتیجه این است که به این مفهوم که میزان باروری نسل ۴۹ و ۱۵ سوم با توجه به میزان میزان گرایش آن ها به ارزش های مدرن باروری متفاوت است و میزان باروری در نسل 29 15 با توجه به بالا بودن میزان گرایش آن ها به ارزش های مدرن کمتر از نسل 49 30 بوده است.

جدول (۷) آماره های توصیفی فردگرایی بر حسب نسل پاسخ دهندگان

متغیر وابسته	نسل	تعداد معتبر	میانگین	آماره T	معنی داری	تفاوت میانگین
فردگرایی	۳۰.۴۹	۱۸۱	۱۶.۹۵	۳۲.۴۷	۰.۰۰۰	۱۶.۲۶
	۱۵.۲۹	۱۸۶	۳۳.۲۲	۳۲.۵۸	۰.۰۰۰	

فرضیه شماره هفت: میزان گرایش به ارزش های مدرن باروری در نسل 29 15 بیشتر از نسل 49 30 و در

نتیجه میزان باروری نسل 29 15 کمتر از نسل 49 30 بوده است.

داده‌های به دست آمده نشان می دهد که سطح معنی داری به دست آمده (Sig = ۰.۰۰۰) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha=۰/۰۵$) می باشد، پس بین میزان گرایش دو نسل به ارزش های مدرن باروری تفاوت

معناداری وجود دارد ($t = ۴۲.۶۶۷$, $sig = ۰.۰۰۰$). به عبارت دقیق‌تر میزان گرایش نسل 29 به 15 به ارزش های مدرن باروری بیشتر از نسل 49 30 بوده است. همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، میانگین میزان گرایش دو نسل به ارزش های مدرن در نسل ۴۹ ۳۰ (25.98) و میزان گرایش به ارزش های مدرن باروری در نسل ۴۹ ۱۵ (30.28) می‌باشد؛ که بیان‌گر همین تفاوت است. بر اساس نتایج قبلی میانگین میزان باروری در نسل ۴۹ ۳۰ (3.27) و میزان باروری در نسل ۴۹ ۱۵ (1.51) می‌باشد؛ پس نتیجه این است که میزان باروری نسل ۴۹ ۱۵ و سوم با توجه به میزان میزان گرایش آن‌ها به ارزش های مدرن باروری متفاوت است و میزان باروری در نسل 29 15 با توجه به بالا بودن میزان گرایش آن‌ها به ارزش های مدرن کمتر از نسل 49 30 بوده است.

متغیر وابسته	نسل	تعداد معتبر	میانگین	آماره T	معنی‌داری	تفاوت میانگین
فردگرایی	30.49	۱۸۹	۲۵.۹۸	۴۲.۵۹۲	۰.۰۰۰	۶۸۲۵
	15.29	۱۸۴	۳۲.۸	۴۲.۶۶۷	۰.۰۰۰	

فرضیه شماره ۸: بین میزان گرایش به ارزش های سنتی و باروری رابطه مستقیمی وجود دارد.

گرایش پاسخ‌دهندگان به ارزش های سنتی با باروری همبستگی معنی‌داری دارد؛ چرا که سطح معنی‌داری محاسبه شده ($Sig = ۰.۰۰۰$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = ۰/۰۵$) می‌باشد، که می‌توان این گونه تحلیل کرد که اولاً شدت همبستگی رابطه بین دو متغیر بسیار قوی است، ثانیاً، نوع همبستگی در بین دو متغیر مذکور ($r = ۰.۷۰۱$)، از نوع مستقیم (مثبت) بوده و ثالثاً سطح معنی‌داری محاسبه شده ($Sig = ۰.۰۰۰$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = ۰/۰۵$) می‌باشد، که بیان‌گر معنادار بودن رابطه بین دو متغیر است، به عبارتی هر چه گرایش پاسخگویان به ارزش های سنتی مثبت تر باشد به همان اندازه باروری بیشتر می‌شود.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	شدت	معنی‌داری
باروری	گرایش به ارزش های سنتی	۰.۷۰۱	۰.۰۰۰

فرضیه شماره ۹: بین میزان گرایش به ارزش های مدرن و باروری رابطه معکوسی وجود دارد.

گرایش پاسخ دهندگان به ارزش های مدرن با باروری همبستگی معنی دار و معکوسی دارد؛ چرا که سطح معنی داری محاسبه شده ($\text{Sig} = 0.000$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = 0.05$) می باشد، که می توان این گونه تحلیل کرد که اولاً شدت همبستگی رابطه بین دو متغیر قوی است، ثانیاً، نوع همبستگی در بین دو متغیر مذکور ($r = -0.580$)، از نوع معکوس (منفی) بوده و ثالثاً سطح معنی داری محاسبه شده ($\text{Sig} = 0.000$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = 0.05$) می باشد، که بیان گر معنادار بودن رابطه بین دو متغیر است، به عبارتی هر چه گرایش پاسخگویان به ارزش های مدرن مثبت تر باشد به همان اندازه باروری کمتر می شود.

جدول (۱۰) آزمون همبستگی مربوط به گرایش به ارزش های مدرن و باروری

متغیر وابسته	متغیر مستقل
گرایش به ارزش های مدرن	باروری
شدت	-۰.۵۸۰
معنی داری	۰.۰۰۰
تعداد	۳۸۴

فرضیه شماره ۱۰: میزان باروری در دو نسل ۴۹ و ۳۰ و ۴۹ بر حسب متغیر ترجیح جنسیتی (تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر) آن ها متفاوت است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) نشانگر آن است که بین ترجیح جنسیتی پاسخ دهندگان و باروری تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار F حاصل از آزمون تحلیل واریانس ۶۸.۳۳۲ می باشد (۶۸.۳۳۲)، با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($\text{Sig} = 0.000$) این مقدار معنی دار می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان باروری در دو نسل با توجه به ترجیح جنسیتی آن ها متفاوت است.

جدول (۱۱) آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (F) ترجیح جنسیتی پاسخ دهندگان و باروری در دو نسل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
بین گروه ها	۱۴۳.۴۶	۲	۷۱.۷۳۰		
درون گروه ها	۳۳۹.۹۴۶	۳۸۱	۱.۰۵	۶۸.۳۳۲	۰.۰۰۰
کل	۵۴۳.۴۰۶	۳۸۳	-		

لذا به منظور مقایسه باروری در دو نسل بر حسب ترجیح جنسیتی آزمون توکی (Tukey) مورد استفاده قرار گرفت بر اساس نتایج آزمون میزان باروری پاسخ دهندگانی که داشتن فرزند پسر را بر فرزند دختر ترجیح داده اند در مقایسه با پاسخ دهندگانی که داشتن فرزند پسر و دختر برایشان تفاوتی نداشته یا دختر را بر پسر ترجیح داده اند بالاتر بوده است و این تفاوت در سطح احتمال $\alpha = 0.05$ Sig= معنی دار است؛ تفاوت در میانگین های حاصله در جدول (۱۲) آمده است:

جدول (۱۲) آزمون توکی مربوط به میانگین گروه های همگن از لحاظ باروری بر حسب ترجیح جنسیتی

ترجیح جنسیتی	تعداد	Subset for alpha=0/05
		۱ ۲
دختر	۱۵۱	۱.۶۴ -
داشتن دختر یا پسر فرقی ندارد	۱۴۴	- ۲.۷۷
پسر	۸۹	- ۳.۰۴
معنی داری	-	۱ ۰.۰۹۵

نتایج به دست آمده از آزمون میانگین بیانگر این است که میانگین باروری در زنان نسل 49 30 با ترجیح جنسیتی فرزند پسر ۳.۳۹ است در حالی که میانگین باروری در زنان نسل 29 15 با ترجیح جنسیتی پسر ۱.۴۳ است و سایر نتایج نیز در جدول بیانگر این است که میزان باروری در دو نسل بر حسب ترجیح جنسیتی متفاوت است. در نتیجه مدارک کافی برای تأیید فرضیه اصلی در این مطالعه وجود دارد، به این مفهوم که میزان باروری در دو نسل ۴۹ ۱۵ و ۴۰ ۴۹ بر حسب متغیر ترجیح جنسیتی (تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر) آن ها متفاوت است.

نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش

بر اساس نظریه‌ی جانسون یک نظام اجتماعی وقتی دچار بحران می‌شود که ارزش‌های اجتماعی (سینکرونیزه) نشود، و ارزش‌های جدید و نامتناسب با نظام اجتماعی وارد جامعه شوند. ارزش‌های جدید به نوبه‌ی خود از طریق مدرنیزه کردن جامعه و با ورود تکنولوژی جدید که یک تحول جدید را موجب می‌گردند، وارد جامعه می‌شوند. این عوامل می‌تواند به نوآوری اشاره کرد که موجب تغییرات شدید اجتماعی می‌شوند و تأثیر ارزش‌های سنتی را در جامعه بر باروری کاهش می‌دهند. نظریه‌ی برابری جنسیتی بر آن است که بین نوع برابری جنسی در یک جامعه و سطح باروری رابطه‌ی معنادار و قابل قبول توجه دارد. زنان در آموزش و پرورش و بازار کار مانند مردان به فرصت‌هایی دسترسی پیدا می‌کنند ولی به دلیل داشتن فرزندان با محدودیت مواجه می‌شوند. یافته‌های تجربی در این مطالعه نیز تئوری موجود را تأیید می‌نمایند. نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) در مورد فرضیه تأثیر اعتقادات مذهبی بر باروری بیشتر در نسل ۳۰ نسبت به نسل ۴۹ (۱۵ نتایج تفاوت معناداری را نشان می‌دهد) $F = 71.606$ ؛ (Sig = 0/000). در نتیجه مدارک کافی برای تأیید فرضیه در این مطالعه وجود دارد، همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) فرضیه تأثیر سوابق خانوادگی بر باروری بیشتر در نسل ۳۰ نسبت به نسل ۴۹ (۱۵ با تفاوت معناداری تأیید می‌نماید) $F = 128.514$ ؛ (Sig = 0/000). باز هم نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) فرضیه تأثیر تقدیرگرایی بر باروری بیشتر در نسل ۳۰ نسبت به نسل ۴۹ (۱۵ با تفاوت معناداری تأیید می‌نماید) $F = 71.606$ ؛ (Sig = 0/000). این شواهد هم‌نوا با یافته‌های تحقیق شوازی (۱۳۷۸) که حاکی از عمومیت تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده در میان گروه‌های قومی کرد و ترک مورد مطالعه به ویژه در گروه‌های هم‌دوره اخیرتر ازدواج حکایت دارد. همچنین رضایی و دیگران (۱۳۸۷) نیز به یافته‌های مشابهی در میان دو ایل بزرگ منطقه مهاباد دست پیدا کرده‌اند. ایده آل تعداد فرزندان دو فرزند بوده و بیش از هر چیز به کیفیت فرزندان تأکید نموده‌اند.

بر اساس نظریه‌ی گذار جمعیت شناختی این گذار موجب نوسازی فرآیند رفتار تولید مثل در جمعیت‌های انسانی می‌شود که طی دو مرحله کاهش مرگ و میر سپس کنترل باروری صورت می‌گیرد. بر اساس این نظریه جوامع نوسازی را از یک رژیم پیشامدرن مرگ و میر و باروری بالا به یک رژیم پسا مدرنی که در آن هر دو پایین هستند، تجربه می‌کنند. کاهش باروری هنگامی رخ می‌دهد که فرآیندی از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود. از منظر جامعه‌شناسان در نگاه کلان نگرانه عوامل مؤثر بر باروری در حقیقت فرهنگ جامعه

عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی است که حرکت باروری در جامعه را دیکته می کند و در سطح فردی بر این باورند که هر اندازه کشورها در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر حرکت کنند بیشتر انگیزه ها و سلیقه های فردی است که رفتارهای باروری را تحت تأثیر قرار می دهد. شواهد تجربی این تحقیق نیز تئوری های موجود را تأیید می نمایند در مورد فرضیه میزان باروری نسل ۲۹ و ۳۰ با توجه به تحصیلات متفاوت است. نتایج آزمون تحلیل واریانس F نشان داد که تحصیلات بر باروری در نسل ۲۹ و ۳۰ تفاوت معناداری ایجاد می کند. ($F = 3.7846$)؛ ($Sig = 0.02$). در نتیجه مدارک کافی برای تأیید فرضیه میزان باروری نسل ۲۹ و ۳۰ با توجه به تحصیلات متفاوت است، وجود دارد و میزان باروری در نسل ۲۹ و ۳۰ با توجه به تحصیلات کاهش می یابد. همچنین نتایج آزمون T نشان داد که بین میزان باروری پاسخ گویان نسل ۲۹ و ۳۰ تفاوت معناداری وجود دارد ($t = 41.498, sig = 0.000$). به عبارت دقیق تر میزان باروری در نسل ۲۹ و ۳۰ کمتر از نسل ۴۹ است. که بیان گر همین تفاوت است. در نتیجه مدارک کافی برای تأیید فرضیه اصلی در این مطالعه وجود دارد، به این مفهوم که میزان باروری نسل ۲۹ و ۳۰ با توجه به میزان فردگرایی آن ها متفاوت است و میزان باروری در نسل ۲۹ و ۳۰ با توجه به بالا بودن میزان فردگرایی آن ها کمتر از نسل ۴۹ بوده است.

عوامل انگیزشی محور اصلی دیدگاه هایی است که از طریق مدل های جامعه شناختی سعی در تبیین پدیده باروری دارد، زیرا باروری واقعی صرفاً فیزیکی نیست، بلکه پدیده ای مبتنی بر ذهنیات و تفکرات فردی است که در کشورهای در حال توسعه عوامل انگیزشی به دو صورت در باروری تأثیر دارد به خاطر مرگ بالای اطفال، و تداوم حیات خانواده فرزند بیشتری بدنیا می آورند دوم انگیزه هایی درباره یرتری جنسی فرزندان پسر و منافع اقتصادی فرزندان باز هم باروری در سطح بالایی قرار دارد. شواهد تجربی این تحقیق نیز تئوری های موجود را تأیید می نمایند در مورد فرضیه میزان باروری در دو نسل ۲۹ و ۳۰ بر حسب متغیر ترجیح جنسیتی (تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر) آن ها متفاوت است. بر اساس نتایج آزمون توکی (Tukey) میزان باروری پاسخ گویان ترجیح جنسی در مقایسه با پاسخ گویانی که داشتن فرزند پسر و دختر برایشان تفاوتی نداشته است یا دختر را بر پسر ترجیح داده اند بالاتر بوده است و این تفاوت در سطح احتمال $Sig = 0.05$ معنی دار است. نتایج به دست آمده از آزمون میانگین نشان می دهد که میانگین باروری در زنان نسل ۲۹ و ۳۰ با ترجیح جنسیتی فرزند پسر ۳.۳۹ است در حالی که میانگین باروری در زنان نسل ۲۹ و ۳۰ با ترجیح جنسیتی پسر ۱.۴۳ است و سایر نتایج نیز در جدول

بیانگر این است که میزان باروری در دو نسل بر حسب ترجیح جنسیتی متفاوت است. در نتیجه مدارک کافی برای تأیید فرضیه در این مطالعه وجود دارد، به این مفهوم که میزان باروری در دو نسل ۲۹ و ۳۰ بر حسب متغیر ترجیح جنسیتی (تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر) آن ها متفاوت است.

بر اساس نظریه‌ی اشاعه‌ای، بسیاری از تغییرات باروری در جامعه نتیجه‌ی اشاعه‌ی نوآوری‌هاست. استدلال می‌شود کاهش باروری ناشی از اشاعه‌ی ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری می‌باشد نه تغییرات در عوامل اقتصادی، اجتماعی یا نهادهای اجتماعی (شوازی، ۲۰۰۹، ۱۰). تئوری اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل موالید در جهان می‌پردازد در کشورهایی که باروری کاهش یافته‌امالی که به محدودیت باروری منجر می‌شود ابتدا توسط گروه‌هایی از جمعیت که موفق‌تر، ثروتمندتر و تحصیل کرده‌ترند اقتباس می‌شود و به گروه‌های میانی با منزلت پایین‌تر و مناطق روستایی گسترش می‌یابد نقش فرهنگ در پذیرش نوآوری مهم است. شواهد تجربی نیز این تئوری را تأیید می‌کنند، مجموع میانگین باروری در زنان نسل ۳۰ و ۴۹ با اعتقادات مذهبی ضعیف، متوسط و شدید ۳.۲۷ است در حالی که این میزان برای زنان نسل ۴۹ و ۱۵ با اعتقادات مذهبی ضعیف و متوسط ۱.۵۱ است که بیانگر تفاوت میزان باروری در دو نسل بر حسب اعتقادات مذهبی است. همچنین میانگین باروری در زنان نسل ۳۰ و ۴۹ با تجربه خانواده کم جمعیت و پرجمعیت به ترتیب ۳.۲۳ و ۳.۴۱ است در حالی که این میزان برای زنان نسل ۴۹ و ۱۵ با تجربه خانواده کم جمعیت و پرجمعیت به ترتیب ۱.۴۹ و ۱.۷۹ است پس میزان باروری در دو نسل بر حسب سوابق خانوادگی متفاوت است. بخشی از این تفاوت به تئوری اشاعه و آگاهی خانواده‌ها از وسایل کنترل باروری می‌باشد.

هزینه‌های اقتصادی شامل مخارج، مراقبت‌های پزشکی مادر در دوره حاملگی و رفع نیازهای تغذیه فرزندان، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و آموزشی است. که می‌توان تئوری‌های لیبنشتاین را نام برد مبتنی بر این فرض است که منفعت یا منفعت نداشتن اقتصادی فرزندان عاملی بر تصمیم‌گیری در مورد شمار فرزندان تأثیر می‌گذارد. تئوری اقتصاد خرد باوری بر این فرض است که به دلایل زیادی فرزندان همچون سایر کالاهای مصرفی و سرمایه‌گذاری می‌باشند از این رو بچّه‌دار شدن تحت تأثیر عواملی چون شمار فرزندان که می‌توانند زنده بمانند، هزینه‌های رشد و تربیت، هزینه فرصت از دست رفته و سطح درآمد خانوار است. شواهد تجربی که فرضیه میزان گرایش به ارزش‌های مدرن باروری در نسل ۴۹ و ۱۵ بیشتر از نسل ۳۰ و ۴۹ است در نتیجه میزان باروری نسل ۴۹ و ۱۵ کمتر از نسل ۳۰ و ۴۹ بوده است. را تأیید می‌کنند دال بر همین امر است داده‌های به دست آمده در ردیف برابری واریانس‌ها و معناداری آن

نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{Sig} = 0.000$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = 0.05$) می‌باشد، پس بین میزان گرایش دو نسل به ارزش‌های مدرن باروری تفاوت معناداری وجود دارد ($t = 42.667, \text{sig} = 0.000$). میانگین میزان گرایش دو نسل به ارزش‌های مدرن در نسل ۴۹ ۱۵ سال ۳۲.۸ و میزان گرایش به ارزش‌های مدرن باروری در نسل ۴۹ ۳۰ سال ۲۵.۹۸ می‌باشد؛ به عبارت دقیق‌تر میزان باروری در نسل ۴۹ ۱۵ کمتر از نسل ۴۹ ۳۰ بوده است.

پیشنهادهای تحقیق

یافته‌های این مطالعه نشان از تأثیر معنادار اعتقادات مذهبی بر باروری در نسل ۴۹ ۳۰ دارد؛ لذا در این رابطه پیشنهاد می‌شود نهاد های دینی و تبلیغی کار بیشتری در رابطه با تقویت اعتقادات دینی و مذهبی نسل ۴۹ و ۱۵ و نسل های بعدی انجام دهند. یافته‌های این مطالعه نشان از تأثیر معنادار سوابق خانوادگی بر باروری در نسل ۴۹ ۳۰ داشت؛ لذا در این رابطه بایستی نهاد های مسئول در این مورد مانند فرهنگ و ارشاد اسلامی و رسانه ملی و نهاد های دینی در پی تقویت سنت های فرهنگی و تقویت خانواده بر آیند. یافته‌های این مطالعه نشان از تأثیر پذیری معنادار میزان باروری نسل ۴۹ ۳۰ و ۴۹ ۳۰ از متغیر تحصیلات دارد لذا در این رابطه پیشنهاد می‌شود که نهاد های علمی دانشگاهی و حوزوی همزمان با پیشرفت علمی جامعه توجه بیشتر جوانان را به اهمیت باروری و نقش آن در حفظ نظام و جامعه را متذکر شوند. یافته‌های این مطالعه نشان از تأثیر معنادار فردگرایی بر کاهش باروری در نسل ۴۹ و ۱۵ را دارد لذا در این رابطه نهاد های مسئول مانند دانشگاه، حوزه، ارشاد اسلامی، رسانه ملی و مساجد و... در زمینه آموزش فردگرایی مسؤولانه به جوانان و نوجوانان تلاش نمایند و برنامه ریزی های خود را در این زمینه تقویت نمایند. یافته‌های این مطالعه نشان از تأثیر معنادار ارزش های مدرن بر کاهش باروری در نسل ۴۹ ۱۵ می‌باشد لذا در این رابطه پیشنهاد می‌شود نهاد های مسئول در این مورد مانند فرهنگ و ارشاد اسلامی و رسانه ملی و نهاد های دینی در پی تقویت سنت های فرهنگی و تقویت خانواده بر آیند و از تأثیرات منفی ارزش های مدرن بکاهند و در پی ایجاد تلفیقی از سنت و مدرن باشند. یافته‌های این مطالعه نشان از رابطه مستقیم و معنادار گرایش به ارزش های سنتی و افزایش باروری دارند لذا در این رابطه پیشنهاد می‌شود که نهاد های مسؤول در این رابطه برنامه ریزی های میان مدت و بلند مدت داشته باشند.

یافته های این مطالعه نشان از تفاوت معنادار میزان باروری در دو نسل ۲۹ و ۳۰ و ۳۰ و ۳۹ بر حسب متغیر ترجیح جنسیتی (تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر) آن ها می باشد لذا پیشنهاد می شود که مدارس، دانشگاه ها و نهاد های ذیربط نسبت به اصلاح این نگرش در والدین بپردازند.

منابع و مأخذ

- ۴ آزادارمکی، ت، ۱۳۸۶، تحلیل ارزش های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، نامه علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۳۰
- ۴ رضایی، م، ۱۳۹۰، زمینه های فرزند آوری پایین در کردستان ایران (مطالعه موردی شهر سقز)
دکتری در جمعیت شناسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- ۳ عباسی شوازی، م، ۱۳۸۸، تغییرات اندیشه ای و تاثیر آن بر رفتار و ایده آل های باروری زنان کرد و ترک، پژوهش زنان، دوره ی ۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸
- ۴ عباسی شوازی، م، ۱۳۸۸، مادران دختران و ازدواج (تفاوت های نسلی در ایده ها و نگرش های ازدواج در شهر یزد
- ۵ عسکری ندوشن، ۱۳۸۴، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران مطالعه ی موردی استان یزد، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۴
- ۶ حسینی، ح، ۱۳۸۱، درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا
- ۷ حسینی، ح، ۱۳۹۰، جمعیت شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا